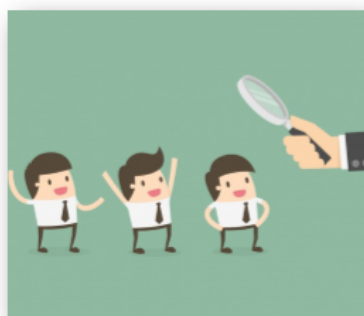




دانشگاه علوم پزشکی همدان
معاونت آموزشی

تناسب فعالیت های آموزشی با آنچه دانشجویان باید فرا بگیرند



عواملی که موجب تشویق فراگیران به یادگیری عمیق می‌شوند: در دانشجویان می‌توان به حس درونی انجام کار مفید، توانایی تمرکز در سطح مفهومی بالا، ارتباط مطالب با دسته های قبلی و کاربرد مطالب به صورت معنی دار و مناسب اشاره کرد.

در اساتید نیز آموزش ساختاری مطالب، استفاده از روش‌های تدریس فعال، استفاده از دانش قبلی دانشجویان، ارزیابی سطوح بالای حیطه شناختی و عملکردی، تشویق دانشجویان به درس گرفتن از اشتباهات خود، تاکید بر یادگیری عمیق مطالب و مهم تر از همه روش تدریس و روش ارزیابی انتخاب شده می باشد.

خلاصه و نتیجه گیری

آموزش خوب از فعالیت‌هایی که منجر به تحقق پیامد های مورد انتظار یادگیری می شود حمایت می‌کند.

منبع

اصول تدریس در دانشگاه: ارتقاء کیفیت یادگیری مولفان: جان بیگز و کاترین تانگ مترجمان دکتر سلیمان احمدی و...

مطالعه مفاهیم رویکردهای سطحی و عمیق یادگیری برای بهبود آموزش بسیار مفید می‌باشد.

در رویکرد سطحی درس به شکل طوطی وار فرا گرفته می‌شود و از فعالیت‌های شناختی کمتری برای دستیابی به سطوح بالای حیطه شناختی استفاده می‌گردد.

عواملی که موجب تشویق فراگیران به یادگیری سطحی می‌شوند:

در دانشجویان می توان به زمان ناکافی، اضطراب، ناتوانی در درک عمیق مطالب، نگاه بدبینانه نسبت به آموزش، هدف فقط قبولی واحد درسی و ... اشاره کرد.

در اساتید، ارزیابی مفاهیم به شکل مستقل از یکدیگر و یا ایجاد اضطراب بی مورد در فراگیران و یا انتظارات کم از آنان برای دستیابی به موفقیت اشاره کرد.

رویکردهای عمیق یادگیری ناشی از احساس نیاز به تعامل با کار مناسب و معنی دار هستند.



ساختارگرایی به این موضوع تاکید دارد که فراگیران دانش را بر پایه دسته‌های قبلی خود می سازند. به طوری که آموزش منتقل نمی شود مگر با مشارکت خود فراگیران و بر اساس آنچه از قبل درک کرده‌اند.

هر دوی این نظریه‌ها معتقدند که آموزش تغییر در مفاهیم است نه دستیابی به اطلاعات.

چنین تغییر مفهومی زمانی حاصل می‌گردد که:

۱. اساتید و دانشجویان بتوانند نقطه‌ای را که با توجه به اهداف مورد انتظار آموزشی باید به آن برسند را به وضوح تعیین نمایند.
۲. دانشجویان نیازهای آموزشی خود را تشخیص دهند.
۳. زمانی که دانشجویان نیاز به یادگیری را احساس کردند، تمایل پیدا می کنند روی مطلب مورد نظر تمرکز کنند.
۴. دانشجویان با انجام فعالیت های مشارکتی و گفتگو با دیگران، از جمله اساتید، به درک عمیق مطالب برسند.



تمرکز سطح دو: آنچه استاد باید انجام دهد.

سطح دو بر فعالیت‌های آموزشی اساتید تمرکز دارد. این دیدگاه بر این باور است که آموزش غیرقابل انتقال است و مفاهیم، تنها اطلاعات قابل انتقال هستند. اساتید در این سطح از مهارت خود با عنوان سلاحی برای آموزش استفاده می کنند. این سطح کاملا استاد محور است.

تمرکز سطح سه: آنچه دانشجو باید انجام دهد.

اساتید بر آنچه که دانشجو باید انجام دهد و چگونه انجام دهد تمرکز دارند. این مدل تسهیل کننده یادگیری و بر پایه یادگیری دانشجومحور است. تمرکز آموزش باید بر روی آنچه دانشجویان انجام می‌دهند و چگونه باید انجام دهند، می باشد.

نظریه های سطح سه آموزش بر دو نظریه پایه ریزی شده اند: ساختارگرایی و پدیدارگرایی.

پدیدارگرایی به این موضوع اشاره دارد که تعیین کند فراگیر چه مطالبی را آموخته است، نه آنچه که اساتید مد نظر دارند که باید توسط فراگیر آموخته شود.

آموزش موثر

آموزش موثر بستگی به این دارد که ما در مورد آموزش چگونه فکر می‌کنیم.

سه سطح از تفکر در مورد آموزش تشخیص داده شده است.

دو سطح اول، بررسی در سطح فراگیر و بررسی در سطح استاد است.

سطح سوم، ادغام آموزش و یادگیری می باشد که در طی آن دانشجویان به انجام فعالیت های یادگیری برای دستیابی به اهداف مورد انتظار آموزشی و یادگیری تشویق می‌شوند.

تمرکز سطح یک: آنچه دانشجو انجام می‌دهد.

اساتید در سطح یک بر روی تفاوت‌های موجود بین دانشجویان مختلف متمرکز می‌شوند.

در این سطح انتقال اطلاعات بیشتر از طریق سخنرانی انجام می گیرد.

در این سطح توضیحی درباره دستیابی به یادگیری عمیق تر ارائه نمی شود.

در این سطح تفاوت در یادگیری بستگی به تفاوت های فردی فراگیران دارد.